**جلسه 110**

**‌شنبه - 30/03/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به وقت نماز شب بود که آیا از ابتداء شب هست و یا از نیمه شب؟

مشهور گفتند وقت نماز شب برای مختار از نیمه شب است.

ولی از برخی از روایات استفاده می‌‌شود که وقت نماز شب مطلقا از اول شب است. عمده موثقه سماعه است:‌ لابأس بصلاة اللیل فی ما بین اوله الی آخره الا ان افضل ذلک بعد انتصاف اللیل. و معتبره محمد بن عیسی هست: لابأس بان یصلی الرجل صلاة اللیل فی اول اللیل.

**جواب مشهور از دلیل دوم مخالفین (روایات):**

**جواب اول: اطلاق این روایات مقید به فرض عذر است**

**وجه اول: اجماع**

در جواب از این استدلال که مورد قبول برخی از فقهاء قرار گرفته است این استدلال و فتوی هم دادند که نماز شب از اول شب است، مثل آقای سیستانی، در جواب از این استدلال وجوهی ذکر شده:

وجه اول این است که گفته شده که این قول خلاف اجماع هست و ما اطلاق این روایات را باید تقیید بزنیم به اجماع.

در جواهر می‌‌گوید: وقت صلاة اللیل بعد انتصافه بلاخلاف أجده. بعد می‌‌گوید که:‌ فلابأس بدعوی الاجماع کما فی المعتبر و المدارک و عن المرتضی و الخلاف و المنتهی و غیرها لشهادة التتبع له و هو الحجة. اجماع داریم بر عدم مشروعیت نماز شب از ابتداء شب.

[سؤال: ... جواب:] لشهادة التتبع له. تتبع هم شهادت می‌‌دهد این اجماع که در کلمات واقع شده مطابق با واقع است.

**اشکال: این اجماع مدرکی یا محتمل المدرک است**

جواب این است که این اجماع اگر هم ثابت بشود، ‌اجماع محصل [هم] باشد، مدرکی است یا محتمل المدرک است.

ما بارها عرض کردیم یک اجماع در اصحاب ائمه داریم، آن اجماع مدرکی هم باشد حجت است. چون امام علیه السلام اصحاب‌شان را بر یک رأی فقهی اگر می‌‌دیدند و مخالف بودند، حتما مطرح می‌‌فرمودند که این رأی فقهی شما درست نیست. و لو لزومی هم ندارد این کار در برخی از موارد. مثل مانحن‌فیه: اگر اصحاب ائمه نماز شب را از نیمه شب مشروع بدانند و قبل از آن مشروع ندانند، خلاف شرعی مرتکب نمی‌شوند، فوقش نماز شب را قبل از نیمه شب نمی‌خوانند، ‌چه بهتر، و لکن به حساب احتمالات اگر اصحاب ائمه قائل می‌‌شدند که وقت نماز شب از نیمه شب است، امام مخالفت نمی‌کردند، به حساب احتمالات منشأ می‌‌شد وثوق بکند انسان ‌که رأی آنها موافق است با رأی امام علیه السلام. اما ما احراز نکردیم نظر اصحاب ائمه را؛ فقهاء گفتند وقت نماز شب از نیمه شب است. فتوی فقهاء در عصر غیبت کاشف از رأی معصوم نیست مگر جایی که هیچ دلیلی ندارد الا ارتکاز متشرعه؛ آن وقت ارتکاز متشرعه می‌‌خواهد کاشف بشود از رأی معصوم. مانحن‌فیه که این‌طور نیست؛ مانحن‌فیه ممکن است مستند باشد به روایاتی که بعدا مطرح می‌‌شود یا مستند باشد به اصالة الاحتیاط که قدر متیقن از نماز شب بعد از نیمه شب است.

پس این استدلال اول تمام نیست.

**وجه دوم: معارضه با روایات دیگر**

**روایت اول: مرسله صدوق: وقت نماز شب ما بین نصف شب تا آخر شب است**

استدلال دوم مرسله صدوق هست:‌ قال ابوجعفر علیه السلام وقت صلاة اللیل ما بین نصف اللیل الی آخره.

گفته می‌‌شود که این روایت صریح است در این‌که وقت نماز شب از نیمه شب است.

**اشکال سندی: ضعف سند**

مرحوم آقای خوئی هم فرموده ما مشکل‌مان سند این روایت است که مرسله است و الا مشکل دیگری نداریم.

**اشکال دلالی: ادله مقابل، قرینه است بر حمل این روایت بر وقت فضیلت یا تعجیل**

ولی به نظر ما غیر از ارسال که اشکال در سند پیدا می‌‌کند این روایت، می‌‌شود اشکال دلالی هم به آن گرفت. خب وقتی روایتی داریم که می‌‌گوید اول شب جایز است نماز شب، ‌موثقه سماعه و صحیحه محمد بن عیسی، حمل می‌‌کنیم این "وقت صلاة اللیل من منتصف اللیل" را یا بر وقت فضیلت یا بر این‌که واقعا وقت نماز شب از نیمه شب است و لکن مشروع شده است تعجیل. چطور؟ غسل جمعه در روز پنجشنبه فی الجملة مشروع است؟ خب وقت غسل جمعه روز جمعه است اما مشروع است فی الجملة غسل جمعه را روز پنجشنبه انجام بدهند اگر خوف نبودن آب داشته باشند در روز جمعه. به این می‌‌گویند تعجیل. عجّله عن وقته.

[سؤال: ... جواب:] شارع وقت اولی نماز شب را از نیمه شب قرار داده و لکن برای تسهیل امر بر مکلفین گفته است جایز است تقدیم آن بر وقت. این اشکال دارد؟ ... اصلا تعبیر بشود که این تعجیل عن الوقت است و لو از نظر فنی، وقت چیزی نیست مگر زمان مشروعیت و وقتی که از ابتداء مشروع بشود نماز شب پس وقتش زودتر می‌‌شود اما از نظر تشریفاتی حکم اولی وقت اشکال ندارد این‌جور باشد که وقتی که ابتدائا شارع برای نماز شب قرار داد از نیمه شب بود تا اذان صبح؛ برای تسهیل، به حکم ثانوی که تسهیلی هست، گفتند لابأس بتعجیله، ‌لابأس بتقدیمه عن اول الوقت. این اشکالی ندارد. ... حتی در حال اختیار که بحث ما همین است که در حال اختیار هم اشکال ندارد.

[سؤال: ... جواب:] وجه اول این است که ما بگوییم ما دو وقت داریم، یکی وقت اجزاء یک وقت فضیلت. مثل این‌که در نماز مغرب نگفتند وقت المغرب الی سقوط الشفق؟ نگفتند وقت العشاء من سقوط الشفق الی منتصف اللیل؟ خب این وقت فضیلت است. یک وقت اجزاء هم هست که از اذان مغرب است تا نیمه شب. اما وقت فضیلت برای نماز مغرب تا سقوط شفق است، وقت فضیلت نماز عشاء هم از سقوط شفق است. دو تا وقت داریم: وقت اجزاء، ‌وقت فضیلت. اینجا هم بگوییم وقت فضیلت نماز شب از نیمه شب است. وجه دوم این است که بگوییم نه، اصلا شارع وقتی را که تعیین کرده است برای نماز شب از نیمه شب است، ‌ما قبل نیمه شب قبل از وقت نماز شب است ولی به عنوان ثانوی تسهیلی تشریع کردند و تجویز کردند نماز شب قبل از نیمه شب را.

پس این روایت دلالتا هم قابل توجیه [مناقشه] است حتی اگر سندش تمام باشد.

**روایت دوم: صحیحه زراره: نماز شب بعد از نیمه شب است**

روایت دیگر روایت صحیحه زراره است، ‌که این می‌‌شود وجه سوم برای رد این قول و این‌که از ابتداء شب نماز شب شروع می‌‌شود. وجه سوم این است که صحیحه زراره مقید این روایات هست. صحیحه زراره این است: قلت لابی جعفر علیه السلام انی رجل تاجر اختلف و اتّجر فکیف لی بالزوال و المحافظة علی صلاة الزوال و کم تصلیٰ، یا کم تصلیٖ، سؤال می‌‌کند از حضرت که شما چه مقدار نماز می‌‌خوانید، ‌کم تصلیٰ یا کم تصلیٖ؟ قال تصلی ثمانی رکعات اذا زالت الشمس و رکعتین بعد الظهر و رکعتین قبل العصر فهذه اثنتا عشرة رکعة و تصلی بعد المغرب رکعتین و بعد ما ینتصف اللیل ثلاث عشر رکعة منها الوتر و منها رکعتا الفجر فتلک سبع و عشرون رکعة سوی الفریضة. این روایت از زراره است که به امام علیه السلام عرض می‌‌کند که من تاجرم، ‌زیاد تردد می‌‌کنم به جاهای مختلف، یعنی می‌‌خواهد عرض کند یابن رسول الله! برای من یک مقدار سخت است التزام به همه مستحبات، ‌آن مقداری که باید محافظت بکنم چه مقدار است؟ حضرت فرمود که علاوه بر نافله ظهر و عصر و نافله مغرب، سیزده رکعت هم بعد از نیمه شب بخوان‌ که دو رکعت آخرش نافله فجر است.

گفته می‌‌شود که این روایت تقیید زد نماز شب را به بعد از نیمه شب.

**اشکال: ادله مقابل، قرینه است بر حمل این روایت بر وقت فضیلت**

این هم جوابش روشن است. جوابش این است که عرف این خطاب را با موثقه سماعه کنار هم بگذارد، حمل می‌‌کند بر مراتب فضیلت. نماز شب بعد از نیمه شب خیلی فضیلت دارد، منافات ندارد که موثقه سماعه و معتبره محمد بن عیسی می‌‌گویند نماز شب از اول شب مشروع است. اما خود موثقه سماعه هم که گفت افضل ذلک بعد انتصاف اللیل.

**روایت سوم: موثقه زراره: زمانی که نصف شب شد، امر به نماز شب می‌آید**

وجه چهارم تمسک به موثقه زراره است. در موثقه زراره آمده: انما علی احدکم اذا انتصف اللیل ان یقوم فیصلی صلاته جملة واحدة ثلاث عشر رکعة.

گفته می‌‌شود که امام قید زد فرمود بعد از نیمه شب شما امر استحبابی دارید به نماز شب سیزده رکعتی که دو رکعتش نافله فجر است؛ مفهومش این است که قبل از نیمه شب شما همچون امری ندارید.

**اشکال اول: مفاد روایت، نماز شب به همراه نافله صبح است**

این هم جوابش این است که:

اولا: محتمل است که نیمه شب شرط مشروعیت نماز شب سیزده رکعتی با هم، جملة واحدة، باشد. یعنی اگر می‌‌خواهید نماز شب بخوانید با هم که یازده رکعت نماز شب است با شفع و وترش، ‌دو رکعت هم نافله فجر است، بگذارید بعد از نیمه شب بخوانید؛ اما اصل نماز شب را از اول شب بخوانید یا نخوانید، مفهومش این نیست که از اول شب اصل نماز شب را هم نمی‌توانید بخوانید. مفهومش این است که امر به صلات لیل جملة واحدة ثلاث عشر رکعة‌ ندارید قبل از نیمه شب؛ منافات ندارد با این‌که امر به اصل نماز شب هشت رکعتی یا یازده رکعتی داشته باشید.

**اشکال دوم: روایت از بیان حکم نماز شب در اول شب ساکت است**

ثانیا: این روایت ظهور ندارد در این‌که نماز شب از اول شب مشروع نیست. این می‌‌خواهد بگوید نماز در شب آن مقداری که لازم است، به عنوان مستحب مؤکد بر هر مؤمنی، نوافل همراه با فرائض که ترغیب شده است در روایات، این است که سیزده رکعت نماز بخوانی، مازاد بر آن پیشکش، دیگه آن بستگی دارد به کرامت خودتان. انما علی احدکم اذا انتصف اللیل ان یقوم فیصلی صلاته جملة واحدة ثلاث عشر رکعة. در مقام بیان این نیست که قبل از نیمه شب نخوانید نماز شب را؛ ‌در مقام بیان این است که بیش از نماز شب سیزده رکعتی که دو رکعتش نافله فجر است، ما اصرار نداریم شب‌ها بجا بیاورید. شب‌زنده‌داری از اول شب تا آخر شب را ما از شما توقع نداریم، همین مقدار که سیزده رکعت بخوانید. پس ممکن است از این حیث روایت در مقام بیان باشد. اذا انتصف اللیل نه بخاطر این‌که می‌‌خواهد مفهوم‌گیری بکند که قبل از انتصاف لیل شما مشروع نیست نماز شب بخوانید، نه، ما قبل از نیمه شب بیشتر از این از شما نمی‌خواهیم، اصلا کار نداریم که قبل از نیمه شب بخوانید نماز شب یا نخوانید، ‌ما بعد از نیمه شب انتظار نداریم بلند شوید ساعت‌ها عبادت کنید.

[سؤال: ... جواب:] انما علی احدکم اذا انتصف اللیل ان یقوم فیصلی صلاته جملة واحدة ثلاث عشر رکعة. آن‌ که اشکال اول بود که دارید تکرار می‌‌کنید. خب اشکال اول ما همین بود که امر ترغیبی شدیم به صلات جملة واحدة ثلاث عشر رکعة. قبل از نیمه شب امر به صلات جملة واحدة ثلاث عشر رکعة‌ نداریم نه این‌که امر به اصل نماز شب نداریم. آن اشکال اول بود. اشکال دوم این است که معلوم نیست که این روایت ناظر به این است که قبل از نیمه شب مشروع نیست نماز شب. می‌‌خواهد بگوید آقا! بیشتر از این شما نمی‌خواهیم که نیمه شب شد بلند شوید نماز شب بخوانید. ‌چون متعارف این است بعد از نیمه شب نماز شب می‌‌خوانید قید زد اذا انتصف اللیل و الا نظر به این دارد: بیشتر از این از شما توقع نداریم.

[سؤال: ... جواب:] توهم این است که و بالاسحارهم یستغفرون. سحر بلند شوند ساعت‌ها استغفار کنند. ... کی رسول خدا سیره‌اش این بود که فقط سیزده رکعت نماز بخواند؟ قم اللیل الا نصفه قلیلا او انقص منه قلیلا او زد علیه. حدود نیمی از شب را حضرت بیدار بود اما ما از شما توقع نداریم این‌جور باشید؛ همان [سیزده رکعت] با هم. ‌پیغمبر جملة واحدة نمی‌خواند، پیغمبر چهار رکعت نماز شب می‌‌خواند، استراحت می‌‌کرد، ‌بعد بلند می‌‌شد، چهار رکعت دیگر نماز شب می‌‌خواند باز استراحت می‌‌کرد، آخر‌های شب بلند می‌‌شد شفع و وتر و نافله فجر می‌‌خواند. جملة واحدة نمی‌خواند، جملة واحدة خواندن آسان است، سریع به هم می‌‌چسباند‌ سیزده رکعت نماز شب را و نافله فجر را، چشم‌ها را هم می‌‌بندد که خوابش نبرد، بعد می‌‌رود در رختخواب. می‌‌گوید ما از شما توقع نداریم مثل پیغمبر این‌جور نماز شب بخوانید که جدا از هم نماز شب را بخوانید. نه، ‌نیمه شب بلند شوید با هم نماز شب بخوانید. بیش از این از شما نمی‌خواهیم. ... نظر دارد به جملة واحدة که ما از شما نمی‌خواهیم مثل پیغمبر نماز شب بخوانید.

**اشکال سوم: ادله مقابل، قرینه است بر حمل این روایت بر وقت فضیلت**

ثالثا: بر فرض ظهورش این باشد، ظهورش این باشد که مفهوم دارد، خب مستحبات حمل مطلق بر مقید نمی‌شود که. یک روایت می‌‌گوید که از اول شب نماز شب جایز است، این روایت می‌‌گوید اذا انتصف اللیل علی احدکم ان یقوم، می‌‌شود ترغیب به فرد افضل. این‌که اشکال ندارد. جمع عرفی این را اقتضاء می‌‌کند.

[سؤال: ... جواب:] چرا اشکال‌ها را با هم خلط می‌‌کنید؟ اشکال سوم که می‌‌کنیم با قطع نظر از جواب‌های دیگر ما است. ... ما می‌‌گوییم شما اصرار دارید که اذا انتصف اللیل می‌‌خواهد بگوید قبل از نیمه شب نماز شب امر ندارد، ‌شما این را گفتید، مفهوم این‌جوری می‌‌خواهید بگیرید، ما به این ایراد داریم. می‌‌گوییم این بر فرض مفهوم داشته باشد جمع عرفی اقتضاء می‌‌کند بگوییم قبل از نیمه شب امر استحبابی مؤکد ندارید، امر به افضل ندارید، ولی اصل امر در حد مشرعیت نماز شب دارید. ... شما اصلا جواب اول و دوم ما درست نباشد، باید این‌جور حساب کنید. جواب سوم ما درست است یا درست نیست؟ این‌جور حساب کنید. جواب سوم ما این است که آقا! سلمنا انما علی احدکم اذا انتصف اللیل جمله شرطیه است مفهوم دارد، یعنی لیس علی احدکم ما لم ینتصف اللیل ان یصلی ثلاث عشر رکعة، ما آن ثلاث عشر رکعة‌ به معنای نماز شب است، ما می‌‌گوییم فوقش این ظهور پیدا می‌‌کند در عدم مشروعیت نماز شب قبل از نیمه شب اما وقتی نص داریم که از اول شب جایز است نماز شب، می‌‌گوییم این بیان مرتبه فضیلت کرده، انما علی احدکم یعنی افضل این است که بعد از نیمه شب بلند شوید نماز شب بخوانید. این عرض ما اشکالش چیه من نمی‌فهمم.

پس این وجه چهارم هم درست نیست.

**روایت چهارم: صحیحه معاویة بن وهب و روایت محمد بن سنان: نماز شب قضاء‌ بهتر از نماز شب اول شب است**

وجه پنجم استدلال است به این روایت محمد بن سنان. در روایت محمد بن سنان این‌جور آمده: محمد بن سنان عن ابن مسکان عن محمد بن مسلم: قال سألته عن الرجل لایستیقظ من آخر اللیل حتی یمضی لذلک العشر و الخمس عشرة فیصلی اول اللیل احب الیک؟‌ ام یقضی؟ یابن رسول الله! آخر شب این آقا بیدار نمی‌شود، ده روز، پانزده روز می‌‌گذرد، بیدار نمی‌شود برای نماز شب، آخر لیل یعنی نیمه دوم شب، فیصلی اول اللیل احب الیک؟ ‌ام یقضی؟ شما بیشتر دوست دارید که اول شب نماز شب را بخواند یا بعدا قضائش را بجا بیاورد؟ قال بل یقضی احب الیّ انی اکره ان یتخذ ذلک خُلُقا و کان زرارة یقول کیف تُقضی صلاة یا کیف تَقضی صلاة لم یدخل وقتها؟ انما وقتها بعد نصف اللیل.

در این روایت که سندش البته محمد بن سنان هست دارد که از امام سؤال می‌‌کند که نماز شب اول شب احب است به شما یا قضاء آن در روز؟ حضرت فرمود نخیر نماز شب اول شب احب نیست، ‌بل یقضی احب الیّ انی اکره ان یتخذ ذلک خلقا، ‌من دوست ندارم که اخلاقش این بشود. حالا اخلاقش این بشود که نماز شب را نخواند بعدا قضاء بخواند؟ این است مراد؟ یعنی همین که قضاء بخواند بهتر از اداء اول وقت است ولی همین قضاء‌ را هم من دوست ندارم اخلاقش بشود، سعی کند همان نیمه اول شب بیدار بشود. اگر این باشد که یک معنا است. معنای دیگر این است که بگوییم نه، علت این‌که من احب است برایم قضاء، ‌این است: می‌‌ترسم اول وقت اگر این آقا بگویم نماز بخواند ‌اول شب، عادت بکند به این کار؛ ‌راحت‌تر است دیگه. انی اکره ان یتخذ ذلک، ‌معنای دوم این است که بگوییم ذلک یعنی الاتیان بصلاة اللیل فی اول اللیل، می‌‌ترسم این را به عنوان اخلاق برای خودش قرار بدهد و لذا دوست ندارم این کار را، ‌همان برود قضاء بکند نماز شبش را بعد از اذان صبح. زراره می‌‌گفت که چطور آدم نمازی بخواند که وقتش نشده؟ وقت نماز شب بعد از نیمه شب است.

به این هم استدلال می‌‌شود بر این‌که نماز شب از اول شب مشروع نیست.

**جواب دوم: در فرض تعارض روایات، مرجع عام فوقانی است**

و آن وقت آن روایاتی که می‌‌گوید نماز شب از اول شب ‌مشروع است مثل موثقه سماعه یا باید حمل بشود بر غیر مختار مثل مسافر، ‌مثل پیرمرد، ‌و یا این است که تعارض می‌‌کنند و تساقط می‌‌کنند، باید رجوع کنیم به ادله اولیه که اقتضاء می‌‌کند وقت نماز شب از نیمه شب است؛ آن اطلاقاتی که قابل جمع عرفی است و اقتضاء می‌‌کند که وقت نماز شب از نیمه شب باشد اما چون نص نیست، عام فوقانی قرار می‌‌دهیم.

این را توضیح بدهم در تقریب این وجه خامس:

گفته می‌‌شود که ما سه طائفه روایات داریم:

یک طائفه روایات ظاهر در این‌ است که از نیمه شب وقت نماز شب است. مثل چی؟ مثل صحیحه زراره که می‌‌گوید، همان صحیحه زراره‌ای بود که: انی رجل تاجر، می‌‌گوید: ‌و بعد ما ینتصف اللیل ثلاث عشر رکعة، خب این قابل حمل است بر فرد افضل. چون گفت تصلی، شما چه جور نماز می‌‌خوانید؟ حضرت فرمود نماز نافله این است و من این‌جور نماز می‌‌خوانم. این می‌‌شود طائفه اولی.

طائفه ثانیه این موثقه سماعه و معتبره محمد بن عیسی است که نص است در جواز نماز شب از اول شب.

طائفه ثالثه این روایت محمد بن مسلم است که می‌‌گوید نماز شب قبل از نیمه شب مشروع نیست.

طائفه ثانیه و ثالثه نص هستند در مشروع بودن نماز شب از اول شب یا عدم مشروعیت آن. بعد از تعارض و تساقط رجوع می‌‌کنیم به طائفه اولی که عام فوقانی است. ظاهر است در این‌که وقت نماز شب از نیمه شب است، ‌نص نیست که طرف معارضه باشد با آن طائفه ثانیه و ثالثه. مرجع فوقانی ما است.

شبیه این روایت محمد بن سنان هم یک روایتی است، ‌او را هم بخوانیم که آن روایت فقط دارد: القضاء افضل. آن جمله اول را دارد. صحیحه معاویة‌ بن وهب: عن ابی عبدالله علیه السلام قلت له ان رجلا من موالیک من صلحائهم شکا الیّ ما یلقی من النوم، یکی از صلحاء به من شکایت کرد از خواب که مانع از بیدار شدن برای نماز شب من هست و قال انی ارید القیام باللیل فیغلبنی النوم حتی أُصبح فربما قضیت صلاتی الشهر المتتابع و الشهرین، ‌دو ماه نماز شب من قضاء می‌‌شود، آن وقت می‌‌نشینم آن نماز‌های شب را قضاء می‌‌کنم، ‌أصبر علی ثقله، ‌تحمل می‌‌کنم قضاء این نماز شب یک ماه یا دو ماه را، ‌فقال قرة عین و الله، ‌نماز شب مایه نورانی چشم انسان است، و لم یرخص فی النوافل اول اللیل، ولی حضرت اجازه نداد که اول شب این آقا نماز شبش را بخواند، ‌و قال القضاء بالنهار افضل، ‌همان‌ که شب نخواند، ‌روز قضاء‌ بکن بهتر از این است که بخواهد اول شب نماز شب بخواند.

[سؤال: ... جواب:] قضاء افضل است از نماز شب اول شب. القضاء بالنهار افضل. ... القضاء بالنهار در مقابل الاداء باللیل است دیگه. و لم یرخص فی النوافل اول اللیل و قال القضاء بالنهار افضل. ... آخه در مقام بیان این نیست که بگوید نماز شب را می‌‌خواهی قضاء‌ بکنی، ‌بگذار شب بعد بشود قضاء کن، مبادا روز قضا‌ء بکنی. نه فقهیا این را ظاهرا فی ما نعلم گفته و نه سیاق، سیاق این مطلب است که آقا! قضاء می‌‌کنی روز قضاء نکنی بگذار شب قضاء کن. ... حالا این فرمایش شما هم راجع به القضاء بالنهار یک احتمالی است باید بررسی کنیم.

خلاصه این وجه خامس این است: به دو بیان استدلال می‌‌شود بر رد این قول به کفایت نماز شب از اول شب برای مختار:

یکی این‌که امام قضاء نماز شب را افضل دانست از اداء آن در اول شب، ‌مگه می‌‌شود قضاء از اداء افضل باشد؟ قضاء از اداء افضل باشد؟ می‌‌شود؟ قضاء، ‌فوت وقت است، می‌‌شود از ادائی که وقت را حفظ می‌‌کنی افضل باشد؟ پس معلوم می‌‌شود که اول وقت نماز شب بخوانی، مشکل این را داری که اخلال به وقت نماز شب کردی. آن وقت باید بگوییم القضاء بالنهار افضل یعنی اگر یک روز هم مسافر بودی، نماز شب اول شب خواندی، بدان نماز شب اول وقت افضل نیست، اما این‌که به این آقا می‌‌گویند قضاء‌ بکن، اداء‌ نکن اول وقت، ‌به این آقایی که در وطنش هست، این معلوم می‌‌شود که این اصلا امر به اداء ندارد و الا اداء مگه می‌‌شود نسبت به مکلف واحد از قضاء کمتر باشد؟ این بیان اول.

بیان دوم هم این‌که زراره گفت کیف تقضی صلات که اصلا مشروع نبود، وقتش داخل نشده بود قبل از نیمه شب؟

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.